

استعدادهای نهفته و سیر استکمالی ملتها در ابعاد گوناگون - به ویژه جوانان - تنها در پرتو کتابخوانی و ترغیب آنان به مطالعه و تحقیق در کتابخانه‌ها امکانپذیر است .

### واژه کتاب

واژه کتاب، به معنی مطلق « نوشته » یا « نبشته » است . بنا بر این ، لفظ کتاب ، شامل « نامه » ، « جزوه » ، « رساله » ، « اوراق پراکنده » ، « صحیفه » و « مجموعه نوشته‌های گردآمده » در یک یا چند مجلد می‌شود .

در اصطلاح مصنفان ، کتاب ، به طایفه‌ای از الفاظ اطلاق می‌شود که دلالت بر مسایل مخصوص از جنس واحد کند و در اغلب اوقات ، تحت آن جنس یا بابهایی که بر نوعی از آن مسایل دلالت کند ، قرار گیرد . چنان که عنوان « کتاب آبی » ، نزد مردم انگلیس ، معادل « کتاب زرد » در فرانسه ، و « کتاب خاکستری » در بلژیک ، و « کتاب سبز » در ایتالیا ، و « کتاب نارنجی » در روسیه ، و « کتاب سرخ » در اتریش ، و « کتاب سفید » در آلمان ، از این باب است . و این نامها مأخوذ از رنگ جلد کتب مذکور است ، و بر مجموعه اسناد سیاسی که در مجلس شورا توزیع شود ، اطلاق می‌شود .<sup>۱</sup>

واژه کتاب ، گاهی بر « لوح محفوظ » و « مطلق مُنزل از جانب خداوند » و « جهان هستی » اطلاق می‌گردد .

به نزد آن که جاننش در تجلّاست همه عالم کتاب حق تعالاست

شبستری

۱. لغت نامه دهخدا ، چاپ جدید ، ج ۱۱ ، ص ۱۶۰۱۰ .

## کتاب و کتابخانه در قرآن و سنت

محمد علی کوشا

کتاب ، زبان گویا و سند جاودان فرهنگ جامعه انسانی است ، که از دیرباز بهترین ابزار هدایت رسولان الهی و مصلحان بشری بوده . تا آن جا که اولین پیامبر ، در اجتماع کوچک انسانهای نخستین ، با کتاب و صحیفه آسمانی ، درس زندگی را به مردمان آموخته است . و دیگر پیامبران نیز پیامشان را به وسیله کتاب ، به دیگران عرضه کرده‌اند .

ملتها ویژگیهای تمدن خود را بیشتر از طریق کتاب ، به ملل دیگر شناسانده ، و دانشمندان و متفکران ، از این راه ، دانش و اندیشه خویش را به جهانیان انتقال داده و خود را جاودانه ساخته‌اند .

کتاب ، بهترین وسیله بیداری و آگاهی نسلها از زمانهای پیش تا کنون بوده است ؛ به طوری که رشد و شکوفایی بسیاری از

## کتابخانه

این واژه مرکب، به این معناست: «جای نگهداری کتاب» و محلی که در آن انواع کتابها را - اعم از خطی و چاپی - فراهم آورند و با نظم و ترتیب معینی قرار دهند.

سابقاً کتابخانه، هم به «مخزن کتاب»، و هم به «کتابفروشی» اطلاق می‌شد، ولی فرهنگستان برای امتیاز این دو، کتابخانه را به مخزن کتاب، و کتابفروشی را به دکان و مغازه فروش کتاب اختصاص داد.<sup>۴</sup>

## کتاب در قرآن

کتاب و کتابت، آن قدر مورد توجه و اهمیت است که با مشتقاتش جمعاً در قرآن کریم ۳۱۸ بار ذکر گردیده است. از این شمار، ۱۸۱ بار آن به صورت «الکتاب»، هیچ‌جا بار آن به صورت «کتاب»، دوازده بار به صورت «کتاباً»، هشت بار به صورت «کتاب الله»، شش بار به صورت «کتاب مبین»، دو بار به صورت «کتاب منیر»، دو بار به صورت «کتاب مرقوم»، دو بار به صورت «کتاب موسی» و یک بار به صورت‌های: «کتاب معلوم»، «کتاب کریم»، «کتاب حفیظ»، «کتاب عزیز»، «کتاب مصدق»، «کتاب مسطور»، «کتاب مکنون»، «کتاب الفجار» و «کتاب الأبرار» ذکر گردیده است.

## رسالت کتاب در قرآن

کیفیت محتوا، جاذبه در پیام، ارائه جهتگیری صحیح به خواننده و پاسخ به نیازهای فکری و فرهنگی، نشانه‌های ارزش یک کتاب است. موضوعات طرح شده در کتاب، نباید بیگانه با تفکرات حاکم بر اصول زندگی بشر باشد. آنان که بر کتاب و کتابت اشراف دارند و خود خلاق و سازنده آن‌اند، باید جلوتر

و تمامی کتب آسمانی داخل در عنوان کتاب‌اند.

به یکی لفظ رسانید بلی جمله کتاب  
از خداوند پیمبر به صغیر و به کبیر

ناصر خسرو

به عزّ عزّ مهیم به حقّ حقّ مهین  
به جانِ جانِ پیمبر به سرّ سرّ کتاب

خاقانی

کتاب آسمانی، کتابی است که از طرف خداوند بر پیغمبری نازل شده است. در روایت است که جمعاً ۱۱۴ کتاب آسمانی نازل شده است: پنجاه کتاب بر آدم و شیث، سی کتاب بر نوح، بیست کتاب بر ابراهیم، و ده کتاب بر دیگر پیغمبران.<sup>۱</sup> «فاضلترین انبیا آن است که بر وی کتاب و شریعت نازل شده است.»<sup>۲</sup>

کتاب مقدس، مرکب از دو کتاب عهد عتیق یا تورات، و عهد جدید یا انجیل است که در باره خلقت عالم و عمل خدا و تقدیس و رفتار خدا با انسان گفت و گو می‌کند.

کتاب تشریح و تدوین، در عرف شریعت اسلام، بر قرآن اطلاق می‌شود؛ چنان که در عرف علمای عربیت نیز چنین است. و کتاب همچنان که در شرع بر مجموع قرآن اطلاق می‌شود، بر هر جزئی از قرآن نیز اطلاق می‌گردد. قرآن را بیشتر با صفت کریم، مجید، عظیم، عزیز، شریف و مبین نام می‌برند. و گاهی هم واژه کتاب، با صفات مذکور می‌آید.

از آن زمان که فروخواندم آن کتاب کریم

همی سرایم یا ایها الملائملا

خاقانی

کتاب تکوین عبارت است از: صحیفه کون و وجود، که کلیه صور موجود در آن، از رشحات قلم الهی نشئت یافته است. و بالجمله، عوالم وجود، یعنی مجردات و مادیات و زمان و افلاک که همه از رشحات فیض حق و تراوش قلم اوست، همه داخل در کتاب تکوین‌اند.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. سندباد نامه، ص ۷.

۳. فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۸۹۹.

۴. همان.

از زمان حرکت کنند تا آفاق مسایل فرهنگی را به مردم بشناسانند. شناخت زمان و درک نیازها و آگاهی از دگرگونیهای عصری و اقدام مناسب برای ارائه پاسخهای منطقی به دگراندیشان و نوپردازان و دفع شبهات و... از وظایف کتابنویسان هر عصر و نسلی است.

قرآن کریم که به حق، کتاب هدایت است، در پیام خود، رازها و نکته‌هایی در بر دارد که برای صاحبان کتاب و خوانندگان و نویسندگان، پایه‌ای‌ترین ملاک نگارش است. اینک به بیان آن آیات و اشارات لطیفشان می‌پردازیم: «... ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ؛ ... خداوند، کتاب را به حق نازل کرده است.»<sup>۱</sup>

این آیه، مُشعر به نزول تورات بر موسی، برای هدایت بنی اسرائیل است که با قید «بالحق» نشان می‌دهد کتاب آسمانی، نزولش بر اساس حق و حقیقت است.

بنا بر این، کتاب و نوشته‌ای می‌تواند رهیاب و رهگشا باشد که ضابطه و ملاک حق، در همه فصول و ابواب آن لحاظ شده باشد، زیرا حق است که یارای ستیز در مقابل باطل را دارد و در نبرد با آن می‌تواند آن را از پای درآورد و از ریشه و بُن برکند. «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ بگو حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابود شدنی است.»<sup>۲</sup>

بگو خود رسولی ز حق آمده است  
که باطل از او گشته نابود و پست  
چو باطل بود راه ناراستی  
سزاوار محو است بی‌کاستی

ترجمه منظوم امید مجید  
اصولاً راز جاودانگی مکتب انبیا، به ویژه مکتب پیامبر اسلام و قرآن کریم را باید در حق بودن خالص و کامل آن جست‌وجو کرد، و این که قرآن می‌فرماید: «لقد كان لكم فی رسول الله أسوة حسنة؛ قطعاً در رسول خدا برای شما سرمشقی نیکوست.»<sup>۳</sup> اساس این اسوه بودن، تنها مبتنی بر حق بودن سیره و سخن و برنامه او در تمام ابعاد و جوانب است. چنان که

قرآن خود بدین حقیقت گواه است: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَى اللَّهُ؛ کتاب را، به حق، بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به آنچه خدا به تو نمایانده است، داوری کنی.»<sup>۴</sup>

در این پیام، به دو نکته مهم اشاره شده است: یکی «الکتاب بالحق»، نزول کتاب بر اساس حق، و دیگری «أریک الله»، یعنی آنچه خدا به تو نمایانده و فهمانده و آموخته است، که در واقع، همان مقررات و قانون الهی است. بنا بر این، پیغمبری که طبق نص قرآن، اسوه و سرمشق است، موظف است بر اساس کتاب و قانون و مقرراتی که بر او از جانب خدا فرود آمده، عمل کند. و هرگز نمی‌تواند خود را فراتر از قانون و مافوق آن بداند و به دلخواه رفتار کند، زیرا در تمام شیوه‌های رفتاری و کرداری خود با مردم، در دوران حاکمیت و زمامداری‌اش، با آیه شریفه «لتحکم بین الناس بما أریک الله» مواجه است. و او فقط در محدوده قانون الهی و برنامه آسمانی که بر او عرضه شده، حاکم و فرمانروا و فیصله‌دهنده منازعات مردم است. و چه زیباست تابلوی راهنمای «بما أریک الله»، در کتاب پر از حق و حقیقت قرآن کریم، که رسولش را به دلیل پایبندی بدان، و عمل به تمام اصول و برنامه‌هایش، مقتدا و سرمشق مردمان قرار داده است. و این جلوه‌ای از جلوه‌ها، و نکته‌ای از نکات برجسته این کتاب برحق است؛ کتابی که راه تبلیغ را این چنین نشان می‌دهد: «أدع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بآتی هی أحسن؛ با سنجیده گفتاری و پند نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به روشی که نیکوتر است مجادله بنمای.»<sup>۵</sup>

به برهان و حکمت، به پند و سخن  
سخن بندگان را به آیین من

۱. بقره: ۱۷۶.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. احزاب: ۲۱.

۴. نساء: ۱۰۵.

۵. نحل: ۱۲۵.

نیستی» ۴؛ «إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ؛ تو فقط هشدار دهنده‌ای، و خدا بر همه چیز کارگزار است» ۵؛ «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ تو هر که را دوست داری نمی‌توانی هدایت کنی، ولی خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند و او به هدایت یافتگان داناتر است.» ۶

«فقط خداست که با اراده‌ی عالی و مشیت بالغه‌اش می‌تواند همه مردم را خداشناس و دیندار و مسلمان سازد، ولی او این کار را نکرده و افراد را بعد از فرستادن پیغمبران و اتمام حجّت، به اختیار و انتخاب خودشان وا گذاشته است؛ که به دلخواه خود صراط مستقیم را در پیش گیرند و یا راه شیطان را برگزینند. مقصود از این آیات، محبت و لطف خدا در باره رسول اکرم (ص) است که زحمات طاقتفرسا و رنجهای گران و فراوان تحمّل نکند، بلکه به وظیفه رسالت و تبلیغش اکتفا فرماید.» ۷  
«ولو شاء الله لجمعهم على الهدى؛ اگر خدا می‌خواست، همه آنان را بر هدایت گرد می‌آورد.» ۸

همه این کسان را یگانه اله

چو می‌خواست می‌برد بر راست راه

ترجمه منظوم امید مجد

### کتاب و خداگرایی

بُعدی دیگر از ابعاد کتاب، تعلیم و تربیت انسان در جهت ایجاد گرایشهای خداجویانه و تقویت جنبه‌های معنوی و ربّانی کردن خواننده اوست. پیام کتاب در این باره چنین است:

«ما كان لبشر أن يؤتيه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول

۱. یونس: ۹۹.

۲. غاشیه: ۲۲.

۳. ق: ۴۵.

۴. انعام: ۱۰۷.

۵. هود: ۱۲.

۶. قصص: ۵۶.

۷. محمد تقی شریعتی، تفسیر نوبین، ص ۱۶۵.

۸. انعام: ۳۵.

به نیکوترین سبک و راه نسق

بکن بحث و گفتار در باب حق

ترجمه منظوم امید مجد

بدین سان، کتاب حق، راهبر و راهنمای دعوت کنندگان راه حق، و ارائه دهنده شیوه‌های درست رفتاری و کرداری و گفتاری پندآموزان جامعه بشری است.

### تبلیغ، نه تحمیل

کتاب حق، پا به پای بهترین عرضه شیوه‌های برخورد اجتماعی، انسانها را از هرگونه سلطه و زور در حق دیگران باز می‌دارد و پیش از «امت»، «امام مسلمین» را از این کار برحذر می‌دارد! اینک گویاترین شاهد از خود کتاب: «ولو شاء ربك لآمن من في الارض كلهم جميعاً أفأنت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين؛ اگر پروردگارت می‌خواست هر که در زمین است، همه آنان، همگی ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟» ۱

قرآن به انسانها می‌آموزد که در اصل انتخاب دین، اکراه و اجباری نیست، و عقاید دینی را با دلیل و برهان باید تبلیغ کرد، نه با زور و تحمیل.

کتاب حق می‌آموزد که: «فإنما أنت مذكر لست عليهم بمصيطر؛ تو تنها تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان تسلطی نداری.» ۲  
همچنین می‌گوید: کار تو تبلیغ و دعوت و پند و اندرز دادن است. و نمی‌توانی دل‌های مردمان را با اعمال قدرت، منقلب و نرم‌سازی، یا آنها را به اجبار به قبول اسلام و اداری. سیره رسول خدا (ص) هم نشان می‌دهد که آن حضرت هیچ‌گاه پیروان هیچ دین دیگری را به پذیرفتن اسلام، مجبور نکرد. فقط بت پرستان و مشرکان را به ترک شرک واداشت.

قرآن می‌گوید: «نحن أعلم بما يقولون وما أنت عليهم بجبار؛ ما به آنچه می‌گویند داناتریم، و تو زورگوی بر آنان نیستی» ۳؛ «وما جعلناك عليهم حفيظاً وما أنت عليهم بوكيل؛ و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم، و تو کارگزار آنان

للناس كونوا عباداً لى من دون الله ولكن كونوا ربّاتيين بما كنتم تعلمون الكتاب وبما كنتم تدرسون؛ هيچ بشرى را نسزد كه خدا به او كتاب و دستور داورى و پيامبرى دهد، سپس به مردم بگويد: به جاي خدا بندگان من باشيد، بلكه [بايد بگويد] بدان گونه كه كتاب خدا را مى آموختيد و درس مى خوانديد، مردمى خدايى باشيد.<sup>۱</sup>

بدین سان، کتاب آگاهی دهنده، در مقام نفی تمام معبودها جز خداست، و اعلام می دارد که پیامبران و فرشتگان و دارندگان فرمان داوری، هیچ کدام نباید از مرحله بندگی و عبودیت حق تجاوز کنند و مردم را به پرستش و بندگی بی چون و چرای خود بکشانند، بلکه باید خود و دیگران را ربّانی و الهی گردانند، زیرا رسالت و پیام کتاب الهی، سوق دادن مردم به خدا و پرهیز از هرگونه شرک و نارواست. قرآن کریم، این کتاب هدایت و حقیقت، هشدار می دهد که صاحب منصبان و مسند نشینان کرسی شریعت، حق ندارند به مردم بگویند: «كونوا عباداً لى»، زیرا عبادت و تعبد فقط برای خدا و در مقابل اوست؛ و بدین گونه، مردمان را از تعبد در مقابل غیر خدا باز می دارد و پرهیز می دهد و دستور می دهد که: «كونوا ربّاتيين؛ ربّانی و الهی باشيد». فقط او را پرستيد و از او كمك بخواهيد و از پرستش غير او دست برداريد، و تنها خدا را مطاع و قبله و روح و جهت حرکت خویش قرار دهید و فقط او را قاهر و معبود خود بدانید، و با هر طاغوت و بتگری که مردم را به خضوع بنده وار در برابر خود می خواند، بستیزید و از عبادت و اطاعت هر کس که تفرعن و رزد و کوس «أنا ربکم الاعلی» را سردهد، سر برتایید، و به توحید و یکتاپرستی روی آرید، و تلاش و وصال و رضای معبود یکتا را بر هر کار و تلاشی مقدّم دارید.

و چنین است احساسات و آرزوهای یک انسان موحد، و مردمی که با کتاب آگاهی بخش قرآن، راه و روش و کیش و منش و الای انسانی را آموخته اند. و اساس دعوت آن، چیزی نیست جز این که: «أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت؛ خدا را پرستيد و از هر طغیانگر سرکشی پرهيزيد.»<sup>۲</sup>

همانا که در بین هر امتی  
رسولی بیامد و را حجتی  
که گوید پرستید پروردگار  
بجوید دوری ز بُتهای خوار

ترجمه منظوم امید مجد

### کتاب، پنجره‌ای به سوی روشنائی

ماهیت دعوت کتاب، آوردن مردم از تاریکیهای جهل و شرک و ظلم و تبعیض و نفاق، به سوی روشنائی علم و توحید و عدل و پاکدلی و یکرنگی است. و قرآن کریم - که برترین کتاب عالم وجود است - بیانگر چنین حقیقتی است:

« کتاب أنزلناه إلیک لتخرج الناس من الظلمات إلی النور بإذن ربهم إلی صراط العزیز الحمید؛ کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنائی بیرون آوری؛ به سوی راه آن پیروزمند ستوده.»<sup>۳</sup>

آری، تمام رسالت و پیام کتاب، بیرون بردن بشر از ظلمتها به سوی نور و روشنی است. و چه ظلمتی بدتر از شرک و جهل و نفاق و ستمگری، و چه نوری بهتر از دانایی و توحید و ایمان و عدل و پاکدلی و انصاف است. سرآغاز خودسازی، تخلیه، و آن گاه تخلیه است؛ تخلیه نفس از ظلمتها و رذیلتها و نارواییها، و تخلیه و آراستن روح به فضیلتها و صداقتها و درستیهها و پاکیهها؛ و این همان چیزی است که پیامبران بدان پای می فشردند و پیروان راستیشان آن را در وجود خویش محقق می گردانند.

« الحمد لله الذی أنزل علی عبده الكتاب و لم یجعل له عوجاً  
قیماً لینذر بأساً شدیداً من لدنه و یبشّر المؤمنین الذین یعملون  
الصّالحات أن لهم أجراً حسناً؛ ستایش خدایی را که بر بنده اش  
کتاب را فرو فرستاد و هیچ گونه کجی در آن ننهاد؛ کتابی برپا  
و استوار، تا از سوی خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی که

۱. آل عمران: ۷۹.

۲. نحل: ۳۶.

۳. ابراهیم: ۱.

کارهای شایسته می‌کنند مژده دهد که برای آنان پاداشی نیکوست .<sup>۱</sup>

دو ویژگی اصلی ، بایسته هر کتابی است : سلبی و ایجابی . سلبی آن ، بی‌اعوجاجی ، و ایجابی آن ، درستی و استواری . کتابی که خود ، اعوجاج و کجی و ضدّ و نقیض و نادرستی داشته باشد ، چگونه می‌تواند خواننده‌اش را از کژی و ناراستی برهاند و به طریق هدایت کشاند ؟

ذات نـایافته از هستی ، بخش

کی تواند که شود هستی بخش

قرآن کریم ، با تعبیر « لم يجعل له عوجاً » بعد سلبی کتاب ، یعنی نفی هرگونه کژی و انحراف را مطرح ساخت ، و سپس به بعد ایجابی آن ، یعنی « قیماً ... » ، پابرجایی و استواری‌اش پرداخت . و آن‌گاه به بعد تربیتی آن اشاره کرد که کتاب هدایت ، هم بیم‌دهنده است و هم نویدبخش و مژده‌رسان . از یک سو نااهلان را تهدید به عذاب و عقاب می‌کند ، و از دیگر سو ، پاکدلان را به پاداش بزرگ الهی بشارت و نوید می‌دهد . بنا بر این ، در نگاه کتاب حق ، تهدید و تشویق ، دو ابزار متناسب تربیت ، در جامعه بشری است .

تعبیر « قیماً » در باره کتاب ، گویای این است که پیام کتاب قیّم و استوار ، ثبات و اعتدال و پایداری و پاسداری از ارزشهای والای انسانی و دور افکندن ناراستیها و نامردیها و نامردمیهاست . و چون کج نیست ، کجی هم بر نمی‌تابد ، و چون راست و استوار است ، استوار و ارزش آفرین است .

### برتری کتاب انبیا

برتری عمده کتاب انبیا بر دیگر کتب ، صرف نظر از وحیانی بودن ، جامعیت ، جهت‌یابی درست ، انطباق با واقعیت و رهنمون بی‌تکلف آن است که بر جان و دل می‌نشیند و خواننده با خواندن آن ، در خود احساس کشف خود و بازگشت به خویش می‌کند و درهای امید و اعتماد و اطمینان را به روی خود گشوده می‌بیند . برای همین رسالت و محتوای پر بهاست که یحیی ( ع ) ندای

« یا یحیی خذ الكتاب بقوة »<sup>۲</sup> را به گوش جان می‌شنود ، و مأمور گرفتن کتاب ، با جدّ و جهد می‌شود ؛ و نیز همه مخاطبان وحی ، مأمور و موظف به یادآوری و تأمل و دقت در سرگذشت و سیره و سخن بندگان صالح حق می‌شوند : « واذکر فی الكتاب مریم ... ؛ ودر این کتاب از مریم یاد کن ... »<sup>۳</sup> « واذکر فی الكتاب ابراهیم اِنَّه کان صدیقاً نبیاً ؛ ودر این کتاب ، به یاد ابراهیم پرداز ، زیرا او پیامبری بسیار راستگو بود »<sup>۴</sup> « واذکر فی الكتاب موسی اِنَّه کان مخلصاً وکان رسولاً نبیاً ؛ ودر این کتاب ، از موسی یاد کن ، زیرا که او پاکدل و فرستاده‌ای پیامبر بود »<sup>۵</sup> « واذکر فی الكتاب اسمعیل اِنَّه کان صادق الوعد وکان رسولاً نبیاً ؛ ودر این کتاب ، از اسماعیل یاد کن ، زیرا او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود »<sup>۶</sup> « واذکر فی الكتاب ادریس اِنَّه کان صدیقاً نبیاً »<sup>۷</sup> « لدینا کتاب ینطق بالحق ؛ و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید . »<sup>۸</sup>

چنین کتابی ، قرآن کریم باشد ، یا نامه اعمال بندگان ، و یا لوح محفوظ ، در وصفش تعبیر « ینطق بالحق » آمده ، که نشانه گویایی و رسایی و حقیقت‌پردازی موشکافانه آن است . و این خود می‌رساند که کتابی می‌تواند در خواننده تحوّل و دگرگونی مطلوب و پویایی ایجاد کند و رهگشا و چاره‌ساز باشد که « ینطق بالحق » در باره‌اش صادق آید . اصولاً تأثیر فوق‌العاده کلام الهی و سخنان رسولان و امامان و مصلحان را بر دل‌های حق‌نیوشان و حقیقت‌پذیران ، در داشتن چنین منطقی باید جست و جو کرد . « هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق ؛ این است کتاب ما که بر شما به حق سخن می‌گوید . »<sup>۹</sup>

۱. کهف: ۲۱ و ۲۰.

۲. مریم: ۱۲.

۳. همان: ۱۶.

۴. همان: ۴۱.

۵. همان: ۵۱.

۶. همان: ۵۴.

۷. همان: ۵۶.

۸. مؤمنون: ۶۲.

۹. جاثیه: ۲۹.

### کتابی شگرف

قرآن از کتابی سخن به میان می آورد که آگاهی از آن، فراتر از تأثیر بر دلها، تصرف در عالم ماده و جهان طبیعت است، که با بهره گیری از آن دانش ویژه، کسی همچون آصف بن برخیا، تخت ملکه سبارا - در فاصله ای بسیار دور، با همه وزن و حجمش در کمتر از یک چشم به هم زدن - نزد سلیمان (ع) حاضر می کند. « قال الذی عنده علم من الكتاب أنا اتیک به قبل أن یرتد إلیک طرفک فلما راه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربی ءأشکر أم أكفر؛ کسی که نزد او دانشی از کتاب بود، گفت: من آن را پیش از آن که چشم بر هم زنی، برایت می آورم. چون سلیمان آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس می گزارم یا ناسپاسی می ورزم. »<sup>۱</sup>

ولی آن که دانست علم کتاب همی بود آگاه، دادش جواب « بُدی نام او آصف برخیا که آگه بُد از مصحف انبیا » که زان پیش که چشم بر هم زنی بیارم به این جای تخت زنی همان لحظه آن تخت حاضر نمود که زان پیش گفتار آن رفته بود چو حاضر شدی آن سریر از نهفت سلیمان به درباریانش بگفت: که این گونه قدرت که دارم به دست همانا ز فضل خدای من است که خواهد مرا سازد او امتحان که کفران کنم یا کنم شکر آن

ترجمه منظوم امید مجد

چنین کتابی که کُنه و کیفیت آن بر ما پوشیده و پنهان است، لوح محفوظ باشد و یا هر حقیقت دیگری، نشانه وجود کتابی برتر در عالم هستی است، که آگاهی از غرایب علوم آن، ویژه راسخان در علم و صاحبان اسرار و آگاهان عالم معنا و مقربان

خاص درگاه اله است. و اشاره قرآن کریم بدان، برای توسعه دید و بینش ما آدمیان است که همه علوم را منحصر در علوم ظاهری و دانشهای تجربی ندانیم، چرا که فراتر از آنها در جهان هستی، به ویژه علوم باطنی و ماورایی، بسیار است، و جز از طریق ارتباط با خدا و زدودن هوس و هوا، کسی را یارای دستیابی بدان نیست.

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس  
سر پیاله بپوشان که خرقه پوش آمد

\* \* \*

عقل می خواست کز آن شعله چراغ افروزد  
برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد  
مدعی خواست که آید به تماشاگه راز  
دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

\* \* \*

تا نگردی آشنا، زین پرده رمزی نشنوی  
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

حافظ

### کتاب، فروغ عرصه ایمان

برای آنان که جوینده حقیقت و تشنه زلال معرفت و سالک وادی طریقت اند، کتاب، بهترین منبع و مأخذی است که خواستارانش را به سرچشمه حقیقت رهنمون می شود؛ و کسانی که از چنین موهبتی برخوردارند، زمینه رشد و گرایش به هدایت در آنها بیشتر است. آیه زیر، گواه این مدعاست:

« وکذلک أنزلنا إلیک الکتاب فالذین اتیناهم الکتاب یؤمنون به و من هؤلاء من یؤمن به؛ بدین سان کتاب را به سویت فرستادیم، پس آنان که بدیشان کتاب داده ایم، بدان ایمان می آورند و از اینان کسانی اند که بدان می گروند. »<sup>۲</sup>

این آیه گویای آن است که داشتن کتاب، زمینه ساز ایمان

۱. نمل: ۴۰.

۲. عنکبوت: ۴۷.

سکوت معنویان را بیار و کار بساز  
لباس مدعیان را بسوز و دور انداز

سنایی

### کتاب، نیازمند آموزگار

کتاب، با همه فضیلتی که دارد، بی‌نیاز از استاد و آموزگار نیست. به ویژه آن که کتاب، آسمانی باشد. در این صورت، برای تبیین کلیات و گشودن متشابهات و توضیح احکام و ارائه جزئیات آن، نیاز به معلم و آموزگار بیشتر است. این نیاز در خود قرآن به وضوح بیان گردیده است:

الف) وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را که فرستاده شده است، تبیین کنی، و باشد که آنان بیندیشند. ۲

در این آیه، مقام پیامبر، مقام تبیین و توضیح و تشریح جزئیات وحی الهی است. مثلاً «اتوا الزکوة» و «أقیموا الصلوة» دو عنوان کلی هستند، جزئیات مسایل آنها را که در قرآن بیان نشده، بیان کند، و همین طور دیگر مسایل فقهی، که هر کدام فروعات فراوانی دارند، تشریح همه آنها وظیفه پیامبر اکرم (ص) است. ب) در آیه دیگر، قبول و پذیرفتن اوامر و نواهی رسول خدا (ص) را بر همه واجب و لازم دانسته است:

«ما اتاكم الرسول فخذوه وما نهیکم عنه فانتهوا؛ آنچه پیامبر به شما داد، آن را بگیرید؛ و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید.» ۳ بنا بر این، وحیی که به پیامبر اکرم (ص) شده، دو قسم است: ۱. کتبی؛ یعنی نوشته شده و محسوس از جانب خداست، که نامش قرآن است؛ ۲. شفاهی است؛ یعنی مجموعه علوم و دانشی که خداوند به پیغمبر داده و آن را در قالب الفاظ و عبارات خود ریخته تا کتاب خدا را تبیین و تفسیر کند و جزئیات آن را برای مردم توضیح دهد.

۱. همان: ۴۶.

۲. نحل: ۴۴.

۳. حشر: ۷.

است. و اهل کتاب، گفت و گوی ستیزه جویانه و بهانه های جاهلانه را با نزول کتاب برتر کنار می گذارند و به آسانی پذیرای حق و حقیقت می شوند، و چون چنین زمینه ای، به دلیل داشتن کتاب، در آنها فراهم است، مجادله با آنان، جز از طریق احسن، روا نیست. «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالآتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم؛ و با اهل کتاب، جز به شیوه ای بهتر، مجادله نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده اند.» ۱

چو دیدید شخصی ز اهل کتاب  
به نیکو طریقی کنیدش خطاب  
ولی با ستم پیشگان شرور  
مدارا مسازید اندر حضور

ترجمه منظوم امید مجد

و این گونه، قرآن می آموزد که گفت و گو با اهل کتاب، باید نرم و ملایم و منطقی باشد، زیرا آنان با داشتن کتابهای پیشین و آگاهی از محتوای آنها، از درک و آگاهی بهتری نسبت به آنها و درس ناخواندگان برخوردارند، و باید با هر کسی به اندازه درک و دانشش سخن گفت. تعبیر «بالتی هی احسن»، تمام روشهای منطقی و درست، از قبیل آهنگ نرم در گفتار، رعایت ادب در رفتار، و پر محتوایی سخن مطابق با کردار را شامل می شود. و باید دانست، رعایت شیوه های احسن در مباحثات و گفت و گوها، برای نفوذ دعوت کننده در اعماق روح طرف است، تا این که او بهتر پذیرای حق شود و به روشی نیکو هدایت یابد. و گرنه مجادله با شیوه برتری جویی و تحقیر، جز آن که بر لجاجت و موضع گیری خصمانه طرف بیفزاید، نتیجه ای نخواهد بخشید، و سرانجام به گمراهی بیشتر و کجتابی پیچیده تر خواهد انجامید.

گفت و گوهاست در این راه که جان بگدازد:  
هر کسی عربده ای: این، که مین، آن، که می پرس

\* \* \*

غم حبیب نهران به ز گفت و گوی رقیب  
که نیست سینه ارباب کینه محرم راز

\* \* \*

حافظ



« ماينطق عن الهوى إن هو إلا وحى يوحى ؛ از سر هوس سخن نمی گوید ، این سخن به جز وحی که می شود ، نیست. »<sup>۱</sup>  
 آیه مزبور ، گویای این است که وحی ، شامل هردو ، قرآن و علوم پیامبر است. بنا بر این ، مجموعه گفتار و سخنان رسول خدا ( ص ) که بر محور دین و در چهارچوبه مسایل شریعت باشد ، همه داخل در وحی است .

با توجه به مطالب فوق ، دیگر جایی برای اشکال تراشی بعضی نمی ماند ؛ از قبیل این که : « چرا فلان حکم و دستور جزئی فقهی در قرآن نیست ؟ » زیرا قرآن بیان جزئیات احکام و بسیاری دیگر از مسایل را ، به تبیین و امر و نهی رسول خدا ارجاع داده است . و آن حضرت هم طبق مقتضیات زمان ، به توضیح و تشریح مسایل قرآن پرداخته اند و بعد از او هم دنباله این امر مهم به اهل بیت معصوم ( ع ) واگذار شده است . چنان که طبق نقل فریقین ، رسول خدا ( ص ) فرموده است : « ائسی تارک فیکم الثقیلین کتاب الله و عترتی اهل بیته ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا أبداً فإتھما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ؛ من دو چیز وزین و گرانها بر جای می گذارم : کتاب خدا و عترتم ، اهل بیتم . مادام که به این دو تمسک جوید ، هرگز گمراه نخواهید شد ، زیرا این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند . »<sup>۲</sup>

بر اساس این حدیث ، و دهها حدیث دیگر در باره اهل بیت و مقام علم و عصمت آنان ، منصب تبیین کلیات و ارائه جزئیات دین ، بعد از پیامبر اکرم ( ص ) ، به آنان واگذار شده است .  
 ( ج ) در آیه ای دیگر ، صریحاً به مقام آموزگاری رسول خدا ( ص ) اشاره شده است : « یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة ؛ تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان آموزد . »<sup>۳</sup>

که خوانند بر ایشان کتاب خدا همه آیه هایی از آن کبریا کنند قلبشان پاک از کار زشت کنند تزکیه قلبها و سرشت

بسیاموزد او حکمتی راستین  
 کند آشنا با کتابی مبین

ترجمه منظوم امید مجد  
 در این آیه ، پیامبر اکرم ( ص ) ، موظف به انجام سه کار مهم شده است :

۱ . تلاوت آیات بر مردم ؛ ۲ . تزکیه مردم ؛ ۳ . تعلیم کتاب و حکمت به آنان .

مراد از تلاوت ، قرائت و خواندن پشت سر هم آیات قرآن بر مردم ، همراه با تأنی و دقت است ؛ به طوری که خواننده ، با هدف ارشاد مخاطبان ، توجه آنها را به سوی آیات الهی جلب کند و زمینه گرایش آنها را به مکتب وحی فراهم سازد . تلاوت قرآن در تبلیغ دین مؤثر بوده ، و چه بسا در همان وهله نخستین ، انسانهای مستعد را به فزونی و افزایش ایمان بکشانند .

« وإذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون ؛ و چون آیات او بر آنان خوانده شود ، بر ایمانشان افزوده گردد و بر پروردگار خویش توکل کنند . »<sup>۴</sup>

مراد از تزکیه ، پاک کردن ذهن و زبان و دل و جان مردمان از آلودگیهای فکری ، زبانی ، قلبی ، و سوق دادن آنان به طرف ارزشهای اخلاقی است . به تعبیر دیگر ، دعوت آنان به فضایل ، و جلوگیری آنها از رذایل است . مثلاً حسد را ترک کنند و به جایش ، جود و ایثار و بخشش و خیرخواهی و تعاون به همنوع را برگزینند .

و مراد از تعلیم کتاب ، فهماندن محتوای آیات الهی از نظر دلالت و مقصود و تبیین و توضیح و بیان جزئیات آنها ، به ویژه احکام و دستورات فقهی است .

۱ . نجم : ۳ و ۴ .

۲ . این حدیث در الغدير علامة امینی ، مجلّدات ۱ و ۲ و ۳ ، به تفصیل از کتب اهل سنت با تعبیرات مختلف ، ولی مضمون واحد ، نقل شده است ؛ از جمله : صحیح مسلم ، ج ۴ ، ص ۱۸۰۳ ، ح ۲۴۰۸ ، چاپ عبدالباقي ؛ سنن دارمی ، ج ۲ ، ص ۴۳۱ - ۴۳۲ ؛ سنن ترمذی ، ج ۵ ، ص ۶۶۳ ؛ مسند احمد بن حنبل ، ج ۳ ، ص ۱۴ ، ۱۷ ، ۵۹ .

۳ . جمعه : ۲ .

۴ . انفال : ۲ .

امام صادق (ع) فرموده است: «إِنَّ رِوَاةَ الْكِتَابِ كَثِيرٌ، وَإِنْ رَعَاةَهُ قَلِيلٌ، وَكَمِ مِنْ مَسْتَنْصِحٍ لِلْحَدِيثِ مَسْتَعِشٌّ لِلْكِتَابِ، فَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُ الرِّعَايَةِ، وَالجَهَّالُ يَحْزَنُهُمْ حِفْظُ الرِّوَايَةِ، فِرَاعُ يِرْعَى حَيَاتَهُ وَرَاعُ يِرْعَى هَلَكَتَهُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ اخْتَلَفَ الرَّاعِيَانِ وَتَغَايَرُ الْفَرِيقَانِ؛ رَاوِيَانِ كِتَابٍ، بَسِيَارِنْدُ، وَرَاعِيَانِشِ اِنْدَكَ . چه بسا کسانی که خیرخواه حدیث‌اند، و خبیان‌نگر کتاب . عالمان، محزون از ترک رعایت، و جاهلان از حفظ روایت . یکی در فکر حیات است، و دیگری در اندیشهٔ ممات . این جاست که هریک خلاف ورزد و هرکدام راهی رود .»<sup>۴</sup>

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إِعْقَلُوا الْخَبْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لِاعْقَلِ رِوَايَةٍ، فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرَعَاةَهُ قَلِيلٌ؛ هِرْغَاهُ حَدِيثِي رَا شِنِيدِي، اَن رَا بَا دَقْتِ عَقْلِي فَهَمُّ وَرِعَايَتِي كُنِيْدُ، نَه بَشْنُوِيْدُ وَرِوَايَتِي كُنِيْدُ، كِه رَاوِيَانِ عِلْمٍ بَسِيَارِنْدُ، وَرِعَايَتِي كُنِنْدِگَانِ اَن، اِنْدَكَ .»<sup>۵</sup>

کتابت باکیفیت برتر، علاوه بر رسوخ و نفوذ مطالب آن در جان و دل خواننده، سبب جاودانگی و ماندگاری آثار نویسنده، برای نسلهای آینده می‌شود .

امام صادق (ع) فرموده است: «الْقَلْبُ يَتَّكِلُ عَلَى الْكِتَابَةِ؛ دَلٌّ، بِه كِتَابَتِ وَنُوشَتِه اِعْتِمَادِ پِيْدَا مِي كِنْدُ .»<sup>۶</sup>

و در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «اَكْتَبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتَبُوا؛ بِنُوْسِيْدِ، زِيْرَا تَانُوْسِيْدُ حِفْظَ نَمِي كِنِيْدُ.»<sup>۷</sup> باز فرموده است: «إِحْتَفَظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا؛ كِتَابَهَا وَنُوشَتَهَا هَايِ خُودِ رَا نِگِه بَدَارِيْدُ كِه دَر اَيْنْدِه بِه اَنهَا نِيَاز پِيْدَا مِي كِنِيْدُ .»<sup>۸</sup>

مفضل بن عمر گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:

۱. قلم: ۲ و ۱.

۲. علق: ۱.

۳. اصول الکافی، ج ۱، ص ۶۲.

۴. اثنی عشره، ۱، نسخ التواریخ، زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، ج ۲، ص ۱۷۳.

۵. نهج البلاغه شهیدی، کلمهٔ قصار ۹۸، ص ۳۷۶.

۶. اصول الکافی، ج ۱، ص ۶۶.

۷. همان.

۸. همان.

و مراد از تعلیم حکمت، آموزش شیوه‌های درست‌گفتاری، درست‌رفتاری و درست‌کرداری است. به دیگر سخن، حکمت در قرآن و روایات عبارت است از: گفتار سنجیده، رفتار سنجیده، کردار سنجیده. و سنجیدگی در همهٔ امور، ایجاد استحکام و رعایت تعادل و برقراری توازن در آنهاست، که روح و اساس و پایهٔ حکمت را تشکیل می‌دهد. و ذکر حکمت، بعد از «کتاب»، بیانگر این نکته است که آموزش و تفهیم و تعلیم کتاب، باید توأم با سنجیدگی و استحکام باشد. و انباشتن انبار ذهن از دانشهای گوناگون، بدون سنجیده‌گفتاری و سنجیده‌رفتاری و سنجیده‌کرداری ثمربخش نخواهد بود. بدین سان، خدای حکیم برای پرورش انسانها، رسولش را مأمور تعلیم کتاب و حکمت به آنها می‌کند، زیرا پرواز آدمی بر فراز قلّهٔ سعادت و نیکبختی با دو بال صورت می‌گیرد: تعلیم نظری و حکمت عملی.

ارزش کتاب و کتابت آثار حکیمانه، و نقش سرنوشت‌ساز آن، به قدری است که خدای حکیم بدان سوگند یاد می‌کند: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد.»<sup>۱</sup> قلمی که با کتابتش، فرهنگها و تمدن‌ها به وجود آمده، و افکار و ابتکارها برانگیخته شده، و آگاهیها و بیداریها آفریده گشته، و فرهیختگان و دانشوران با آموزه‌های پر بارش بر کرسی صدارت دانش نشسته است. آری، قلم، صحیفهٔ خواندن را می‌نگارد و آن‌گاه می‌آموزد: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ؛ بخوان، به نام پروردگارت.»<sup>۲</sup>

امام مجتبی (ع) نیز فرموده است: «عَلَّمَ النَّاسَ عِلْمَكَ وَتَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ؛ مردمان را از دانشت، دانش آموز، و خود نیز از دانش دیگران بیاموز.»<sup>۳</sup>

### کتاب و کتابت در روایات

در روایات اسلامی به فهم و درایت قرآن و احادیث، توجه شایانی شده، و از کسانی که فقط در اندیشهٔ انباشتن و پرداختن آن‌اند و به محتوا و کیفیت آن نمی‌اندیشند، انتقاد شده است.

۵. کتابخانه، نقش عمده اش در اطلاع رسانی و آگاهی دادن به مشتاقان است، که در فضای آرام و روح انگیزش، خوانندگان را با حوادث عبرت آمیز گذشته، حال و آینده آشنا می سازد و نهال اندیشه نوجوانان را شکوفایی و رونق، و درخت فکرت مردان و زنان دانشور را بارور و پربار می گرداند.

۶. کتابخانه، با عرضه انواع کتابها، علاوه بر دانش، به محققان و دانش پژوهان ظرفیت و بینش می دهد، که تنها به علم و دانش خود ننگرند که: «فوق کل ذی علم علیم؛ و فوق هر دانایی، داناتری هست.»<sup>۳</sup>

۷. کتابخانه، بهترین دارالتقرب افکار نامتجانس، و از طرفی، بی طرفترین داور اندیشه های پرخاشگر و دیگرستیز است که همه اندیشه ها را یکجا در خود جای داده و با تأنی و تأمل، در طول زمان، میان آنان به داوری می پردازد.

۸. کتابخانه، نماد ارزشهای معنوی، قومی، ملی و سند جاودان سیر اندیشه های استکمالی ملتی است که فرهیختگانش با آزادی اندیشه و استقلال رأی، شیوه جمهوری را با قلم ستم ستیز و خرافه گریز، در برگ برگ آثار خویش به ثبت رسانده اند.

### کتابخانه ای جامع و جاوید

یکی از بارونقترین کتابخانه های معاصر، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است، که با همت والا و عزم استوار و اراده راسخ فقیه بافضیلت و کتابشناس، آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، پایه گذاری و تشکیل شده است. حقیقاً که این کتابخانه، بزرگ گنجینه ای پربها، و مصداقی است از: «فیها کتب قیمه؛ که در آنها نوشته هایی استوار است.»<sup>۴</sup>

بـری و مـبـرأ ز هـر کـاسـتی  
شـده ثـبـت در آن کـتـب راسـتی

نقایس مخطوطات و نسخه های منحصر به فرد در آن، کتابخانه

«أکتب وبت علمک فی إخوانک فإن مت فأورث کتبتک بنیک فإنه یأتی علی الناس زمان هرج لایأسون فیہ إلا بکتبتهم؛ بنویس و دانشت را در میان برادرانت پخش گردان؛ و چون مرگت فرارسد آنها را به فرزندان به ارث گذار، که زمانی در هم و آشفته فرارسد که مردم در آن جز به کتابهایشان انس نگیرند.»<sup>۱</sup> و نیز فرموده است: «أعربوا حدیثنا فإننا قوم فصحاء؛ حدیث ما را درست بخوانید و صحیح بنویسید، زیرا ما خانواده ای فصیح زبانیم.»<sup>۲</sup>

دریغاکه جوامع حدیثی شیعه، با همه پرباری و پرمحتوایی، به طور شایسته و بایسته، شکل و منقح، اعراب گذاری شده و بدون غلط، چاپ و منتشر نمی شود، و اگر هم شده، در سطحی اندک و ناچیز است. اگر احادیث معصومان (ع) «أخ القرآن» محسوب می شوند، پس چرا به کیفیت عرضه صحیح آنها نیندیشیم؟ و چرا در پیراستگی اغلاط چاپی آنها اقدامی به عمل نیاوریم؟

### کتابخانه، مظهر فرهنگ و تمدن

اهمیت و نقش سازنده کتابخانه، در ابعاد گوناگونی قابل توجه و درخور بررسی است، که در این جافهرستوار بدانها اشاره می شود:

۱. کتابخانه، از آن جهت که جایگاه انواع کتابها در موضوعات گوناگون است، مورد توجه دانش پژوهان و کتابخوانان و محققان است.

۲. کتابخانه، مجموعه اندوخته های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی دانشمندان، و حاصل تلاش و کوشش مستمر پرچمداران علم و دانش در رشته های گوناگون است.

۳. کتابخانه، بهترین میراث ماندگار و آینه تمام نمای فرهنگ و تمدن، آداب و رسوم، و نمودار شیوه تفکر یک ملت است.

۴. کتابخانه، جایگاه تجمع اندیشه های موافق و مخالف، متناقض و متضاد اندیشه وران الهی، مادی، دهری، طبیعی، موحد و مشرک است که هرچند صاحبان آن خاموش اند، زبان قلمشان گویاست. بعضی از آنان خفتگان بیدار، و دسته ای مردگان زنده، و گروهی زندگان مرده، و قومی هم زندگان بیدارند.

۱. همان، ص ۶۷.

۲. همان.

۳. یوسف: ۷۶.

۴. بینه: ۳.

ناچیزتر و ناتوانتر از آن است که بتواند آرزوهای بشر را برآورده سازد و درون پرغوغای او را اطمینان و آرامش بخشد؛ انسانی که زبانش گویای حال اوست:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست  
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

حافظ

برای تسکین روحش، محیطی مناسب باخواسته‌اش می‌طلبد؛ محیطی سرشار از روحانیت و معنویت؛ جایگاهی مشرف به سرچشمه حقیقت؛ و پایگاهی که انسانیت را در آن بپرورد؛ فضایی معنوی و روحانی که در آن دل و جان را به فراسوی مرزهای کمال و معنویت بکشانند. کتابخانه می‌تواند چنین مرکزی باشد. و اگر چنین نباشد، این قافله تا به حشر لنگ خواهد ماند. نکاتی که در این مقاله - به صورت کوتاه و برآمده از عمق جان - بدانها اشارت رفت، جلوه‌های نگرش و دیدگاه کتابخوان و کتابجویی است که خود به حفظ کتاب و تشکیل کتابخانه و استفاده به جا از آن، برای همگان، سخت معتقد و پایبند است، و عملاً هم، مؤسس و بنیانگذار کتابخانه نسبتاً کوچک، اما جامع و پرمحتوای آستان امامزاده داود (ع) بوده است و با تمام جد و جهد در نگهداری آن کوشیده است.

حاصل سخن آن که: در شرایطی که هرروزه به طور چشمگیری بر قیمت کتاب افزوده می‌شود، و از طرف دیگر، توفان سهمگین تهاجم فرهنگی، از داخل و خارج، فضای فکر و فرهنگ را تیره تر می‌گرداند، تدارک کتابخانه و عرضه کتاب، ابزاری بس کارساز و سازنده برای حراست و نگاهداری افکار نسل جوان خواهد بود. امید آن که اهل دین و درد، با زدودن زنگارهای یأس و حرمان از آیین دل‌های پیر و جوان، به اقدامی اساسی دست یازند و در انجمنها و محافل تربیتی، با رهنمودهای واقع‌بینانه، راه رشد و هدایت به سوی فرهنگ اصیل اسلامی را نشان دهند.

۱. اقتباس از مصاحبه حجت الاسلام دکتر سید محمود مرعشی، آئینه پژوهش، سال اول، شماره ۱.

را از برجستگی ویژه‌ای برخوردار ساخته است. قسمت اعظم مجموعه‌های خطی، حاصل رنج و تلاش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است که به هنگام اقامت در نجف اشرف آنها را از چنگال واسطه‌های انگلیسی، که نسخه‌های خطی را با لطایف الحیل خریداری می‌کردند، دور نگه داشته و کم‌کم جمع‌آوری کرده و هسته مرکزی این کتابخانه بزرگ را تشکیل داده است.

کتابهای موجود در این کتابخانه از مرز ۲۵۰ هزار جلد می‌گذرد، که از این تعداد، ۱۳۵ هزار جلد آن فیش برداری شده، و بقیه نیز در حال فیش برداری است. نسخ خطی این کتابخانه بیش از ۲۵ هزار جلد است. قدیمترین نسخه خطی آن، بخشی از قرآن مجید است که به خط علی بن هلال، مشهور به ابن بواب، کاتب بغدادی است. این بخش شامل دو جزء از قرآن مجید است که در سال ۳۹۲ هجری در بغداد نوشته شده، و در پایان آن، نام کاتب و تاریخ نگارش آن موجود است. البته نسخه دیگری از قرآن مجید به خط کوفی وجود دارد که قبل از نسخه ابن بواب نگارش یافته است، اما تاریخ نگارش آن مشخص نیست.

مجموعه ذخایر این کتابخانه، در حال فزونی و گسترش است، زیرا علاوه بر کتابهای اهدایی به آن، بنا به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، کلیه ناشران موظف‌اند تعداد پنج جلد از آثاری که منتشر می‌کنند، به پنج کتابخانه بزرگ کشور: کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی و کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) هدیه کنند.

این کتابخانه با دستگاههای تمام خودکار و مجهز به چشم الکترونیکی، تحت مراقبت و محافظت قرار می‌گیرد و برای مقابله با آفت موربانه هم مجهز به دستگاه مخصوص ضد موربانه است.<sup>۱</sup>

### آخرین سخن

با توجه به ابعاد گوناگون روان آدمی و حس کنجکاوی و فطرت حقیقت‌جویی و گرایشهای مذهبی و ماورایی و کمال‌خواهی نامتناهی بشر، زرق و برق امور مادی و اشتغالات دنیوی،